

نوستالژی فردی و اجتماعی در اشعار محمدحسین شهریار و فریدون مشیری

۱. سعید واعظ*، ۲. مریم محمدزاده**

۱- استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲- کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۴)

چکیده

«نوستالژی» یا «غم غربت» در اصطلاح به حس دلتنگی و حسرت انسان‌ها نسبت به گذشته و چیزهایی اطلاق می‌شود که اینک آن‌ها را از دست داده‌اند. وضعیت سیاسی و اجتماعی و کلاً وضع زندگی انسان‌ها در ایجاد حس نوستالژی مؤثر است. در شعر معاصر، غم غربت و حسرت بر گذشته و دلتنگی ناشی از آن به صورت‌های گوناگون به چشم می‌خورد. یکی از دلایل اصلی بروز و ظهور آن، پیشرفت سریع تمدن و صنعت است. با وجود اینکه پیشرفت بشر در عرصه‌های مختلف زندگی، آرامش و رفاه را برای آنان رقم زده، گاهی خواه ناخواه ارزش‌های انسانی را در خود بلعیده‌است! بنابراین، انسان معاصر برای غلبه بر چنین وضعی به گذشته خویش پناه می‌برد. محمدحسین شهریار و فریدون مشیری، از شاعران معاصر هستند که با توجه به شرایط ویژه حاکم بر زندگی آنان، به گذشته خوش و پرشور خویش پناه برده‌اند. این نوشتار بر آن است که چگونگی نمود نوستالژی فردی و اجتماعی را با روش توصیفی-تحلیلی در اشعار این دو شاعر تبیین کند. با تحلیل برخی از اشعار آن‌ها، به این نکته دست یافته‌ایم که در بخش اعظمی از اشعار، حس نوستالژیک و حسرت بر گذشته موج می‌زند. در بخش نوستالژی فردی، با نوستالژی دوری از وطن، دوری از معشوق، حسرت بر دوران کودکی و جوانی از دست رفته، ناکامی‌های شخصی و مسائلی از این قبیل و در بخش نوستالژی اجتماعی، با نارضایتی‌های سیاسی-اجتماعی روبه‌رو هستیم.

کلیدواژه‌ها: نوستالژی، نوستالژی فردی، نوستالژی اجتماعی، شهریار، فریدون مشیری.

* E-mail: saeedwaez@gmail.com

** E-mail: saidwaez@gmail.com (نویسنده مسئول)